

## آشتی با قرآن ۱۱

**أَنْعَمْتَ** (نعمت داری) **أَنْعَمْتُ** (نعمت دارم) **أَعْبُدُ** (عبادت میکنم. بندگی میکنم) **تَعْبُدُ** (عبادت میکنم. بندگی و طاعت بدون چون و چرا میکنم).  
 اگر کلمه ای داشته باشیم که آخر آن (ت) یا (ت) و حرف قبل از آن سکن باشد یعنی بصورت (ت) باشد یعنی «توانیکار را کردی»، دوم شخص مفرد ماضی  
 اگر کلمه ای داشته باشیم که آخر آن (ت) و حرف قبل از آن سکن (ت) یعنی بصورت (ت) باشد یعنی «من اینکار را کردم»  
 اگر کلمه ای داشته باشیم که اول آن (أ) و آخر آن (ت) ضمه داشته باشد یعنی «من اینکار را میکنم» مثل **أَشْهَدُ** (شهادت میدهم) **أَعُوذُ** (پناه میبرم)  
 اگر کلمه ای داشته باشیم که اول آن (ك) و آخر آن (ت) ضمه داشته باشد یعنی «ما اینکار را میکنیم» مثل **تَعْبُدُوا** و **تَسْتَعِينُوا** «کمک میخواهیم»  
 این کلمات در قرآن زیاد می آید. آنها را با کلمات زیاد خوب یاد بگیرد: **مَنْ كُنِيَ كَذَا** «ما آنچه چیزی چه چیزی...» **فَإِنْ** «پس بنابراین»  
**تُمْ** (پس بعد) **إِنَّمَا** «فقط» **إِنَّمَا** «فقط» **إِنَّمَا** «فقط» **أَهْلُ** «آیا»  
 حالا این جبهت را معنی کنید: لغات بالا برای توجه داشتن نگه کنید.

**أَلْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ** حمد: ستایش. ثنا. مدح. رَبِّ: صاحب اختیار. مالک. آقا عالمین: جهانیان. کعبه افراتر.  
**إِنَّمَا تَعْبُدُونَ** **إِنَّمَا تَسْتَعِينُونَ** همانست: کمک خواستن. باری طلبیدن. باری جستن.

**أَهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ** اهد: هدایت کن. راهنمایی کن  
**صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ**  
**إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أُنذِرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ** سوا و بسوا: اذتار: برساند  
**لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ** (ما) در صورتیکه بدیش در عذاب است.

**وَمَا يَجِدُ عَذَابًا إِلَّا أَنفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ** خود: فریب دادن. کول زدن. ما: نه (در صورتیکه پس از آن در عذاب آورده باشد) شعور: نمیدان جس کردن. توجه داشتن

**قَالُوا يَا نُبُوذٍ كَمَا آمَنَ السُّفَهَاءُ** کما: همانطور که. **سُفَهَاءُ**: جمع سفیه: کم عقل؟  
**أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ السُّفَهَاءُ وَلَكِن لَّا يَعْلَمُونَ** ألا: بدانند. آگاه باشند. توجه داشته باشید. **لَكِن**: لیکن. **لَكِن**: ولی. **إِنَّمَا**: لیکن.  
**إِنَّمَا نَحْنُ مُصَلِّونَ** إِنَّمَا: فقط. نَحْنُ: ما. **مَا كَانُوا مُهْتَدِينَ** ما: نه (ماضی را معنی میکند)

**فَمَارَبِحَتْ جَنَاتُهُمْ** مَارَبِحَتْ: سود نکرد. فایده نکرده. منفعت نکرد.  
**لَصِيبٌ مِنَ السَّمَاءِ فِيهِ ظُلُمَاتٌ وَرَعْدٌ وَنُقُورٌ** ک: مثل. مانند. شبیه. نظیر. **صَيْبٌ**: باران تند  
**يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ** يَا أَيُّهَا: ای رَبِّ: صاحب اختیار. لَعَلَّ: تا باشد  
**فَإِنْ لَمْ تَعْبُدُوا لَنْ تَعْبُدُوا** إِنْ: اگر

**فَمَا لِلَّذِينَ آمَنُوا فَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ**

وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَيَقُولُونَ

لَمَا نُضِلُّهُ إِلَّا أَنفُسُنَا

فَأَنسَبُ: ما فرود کسی که از اطاعت خداوند خارج شده و از توبه و تضرع خداوند اطاعت نمیکند.

أَجْمَلُ فِيهَا مَنْ يُضِلُّ فِيهَا جَل: تزلزل کردن

إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ

لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا عَمَّت: بپایاداری

إِنِّي أَعْلَمُ غَيْبَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ

أَذْكُرُوا نِعْمَتِي الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ

أَيُّهَا يَا فَاتَّقُونَ أَيُّهَا: فغفلت از من

أَمِنُوا بَلَا أَنْزَلْتُ مُصَدِّقًا لِمَا مَعَكُمْ

أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنسَوْنَ أَنفُسَكُمْ نِسْيَان: فراموشی

فراموش کردن.

إِذْ ظَلَمْتُمْ أَنْفُسَكُمْ ظَلَمْتُمْ: گناه کردید

إِذَا: اذ: وقتی که. زمانی که. موقعی که. هنگامی که. کن: برزاند

لَمَا ظَلَمْتُمْ بَلَا لَكِن كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ

لَكِن: اما. ولی

تَعَفَّرْتُمْ خَطَايَاكُمْ عَفْرَان: مغفرت. آمرزش

لَنْ نُصْرِعَ عَلَيْكَ طَعَامًا وَاحِدًا

إِنَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالنَّصَارَى وَالصَّابِئِينَ مَنْ آمَنَ

بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ

بهری بودند. نصاری: مسیحیان. صابئین: صابی؟ (در مورد آن اختلاف نظر وجود دارد ولی بدست آمده از موهبان بودند) عیند: نزد. پیش.

قَالُوا الْآنَ جِئْتُ بِالْحَقِّ

إِنَّا إِنْ شَاءَ اللَّهُ لَمُهْتَدُونَ (ن: اگر شاء: خواست (بدون شرط: بخوابد)

الآن: همین حالا. الآن جئت: آمدی جئت ب: آمدی با آوردی

مَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ ما... ب: نیست.

أَفَلَا تَتَعَلَّمُونَ عَفْل: وسیدرک و فهم و تشخیص و تمیز است

فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ يَلْتَبِتُونَ الْكِتَابَ بَأْسُهُمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لِيَشْتَرُوا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا

ثَمَن: قیمت

أَفَتُؤْمِنُونَ بِبَعْضِ الْكِتَابِ وَتَكْفُرُونَ بِبَعْضٍ؟!! بَعْض: بعضی قسمتی

كِتَابٌ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ عِنْد: نزد. پیش. طرف. جانب.

نَزَلَهُ عَلَى قَلْبِكَ عَدُو: دشمن

لَمَّا جَاءَهُمْ رَسُولٌ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لَمَّا: وقتی که

مَا هُمْ بِضَارِينَ مِنْ أَحَدٍ ما... ب: نه نیستند ضارین: ضرر زندهگان